

بررسی روند طرح ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

زهرا علیمرادی*

حسین ارچینی**

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تدوین قانون اساسی از مسائل اساسی بود که باید به سرعت تهیه می‌شد. در پیش‌نویس‌های قانون اساسی حتی پیش‌نویسی که به دستور امام خمینی(ره) نوشته شده بود، ذکری از اصل ولایت فقیه نبود، از این‌رو پس از شکل‌گیری مجلس خبرگان قانون اساسی و طرح ولایت فقیه به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی، واکنش‌های برخی گروه‌ها را در پی داشته است. به‌طوری‌که حتی به طرح انحلال مجلس نیز کشیده شد. با توجه به این که امام موضوع روشنی در مورد ولایت فقیه داشتند، و از سوی دیگر بر تسریع قانون‌گذاری، دور شدن از جو ملتهب انقلابی و تثبیت نظام اصرار می‌ورزیدند با تدابیر به موقع خود، موجبات تصویب قانون اساسی را طی یک روند قانونی فراهم آوردند و بعد از اضافه شدن این اصل، از آن به‌عنوان بهترین اصل یاد کرد. بعد از ده سال از اجرای قانون اساسی، امام دستور بازنگری را صادر و طی جلسات شورا لفظ «مطلقه» ذیل اصل ۵۷ به قانون اساسی اضافه شد. آن چه مهم به نظر می‌رسد این است که اصل ولایت مطلقه فقیه، پس از بررسی‌های لازم و همه‌پرسی در قانون اساسی گنجانده شد، که یکی از امتیازات قانون اساسی و به‌عنوان ظهور رأی مردم در انتخاب نوع حکومت و سرنوشت خویش است.

کلید واژه‌ها: ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان قانون اساسی، امام خمینی(ره)

* طلبه سطح سه جامعه الزهرا قم رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشجوی کارشناسی‌ارشد آشنایی با منابع اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم.

** استادیار دانشگاه معارف اسلامی

Email: arjini4@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۳

مقدمه

طرح ولایت فقیه به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی تا به امروز واکنش گروه‌های مختلفی را در داخل و خارج در پی داشته است. در این نوشتار برآنیم تا سیر طرح «ولایت فقیه» و به تبع آن «ولایت مطلقه فقیه» را در بازه زمانی تهیه پیش‌نویس تا تصویب و بازنگری قانون اساسی بررسی نماییم. از آن‌جا که نه در پیش‌نویس قانون اساسی و نه پس از تصویب قانون اساسی توسط خبرگان به واژه ولایت «مطلقه» فقیه تصریح نشده بود، سؤالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به اهمیت ولایت مطلقه فقیه که در رسیدن به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است، و نیز با عنایت به این که متن تصویبی به رؤیت امام نیز رسید و علیرغم اطلاع از عدم ذکر ولایت مطلقه فقیه، آن را تأیید نمودند. عده‌ای با استناد به همین مطلب، ولایت مطلقه فقیه را جزء مطالبات عمومی مردم ندانسته و یا در مبنای امام خمینی(ره) در حکومت خدشه وارد کرده‌اند.^۱ از این‌رو بررسی این موضوع جهت پاسخ به شبهات مطرح در این زمینه ضروری است.

سیر طرح «ولایت فقیه» در قانون اساسی

در طول مبارزات و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کسانی که با مبانی اصیل این انقلاب مخالف بودند تلاش‌های بسیاری برای مقابله با آن انجام دادند. از این‌رو سعی می‌کردند تا با گزینش بخشی از تاریخ انقلاب و یا مطالب حضرت امام چنین وانمود کنند حرکت انقلاب در جهت خواست مردم و حتی وعده‌های رهبری آن نبوده است. در موضوع مورد بحث که با تدوین قانون اساسی ارتباط پیدا می‌کند چنین القا می‌کنند که امام خمینی(ره) ابتدا قول تشکیل مجلس مؤسسان را به مردم داد، اما به جای آن مجلس خبرگان تشکیل شد.^۲

۱. محسن کدیور در کتاب حکومت ولایتی و نیز در سایت شخصی خود به این مباحث پرداخته و در نهایت بعد از بیان تضادهای ده‌گانه جمهوریت با ولایت فقیه، اصل حاکمیت ولی فقیه را غیرشرعی می‌داند.

۲. حسن یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی: سیری در زندگی و افکار و آثار مهندس بازرگان، ج ۲، ص ۱۹۹. نظیر این شبهه در سایت‌های (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا)، مقاله مجلس خبرگان، <http://fa.wikipedia.org> و <http://kadivar.com> آمده است. این جمله عیناً از وبلاگ <http://talelesiyasat.parsiblog.com> آورده شده است: "در سال ۱۳۵۷ وقتی امام خمینی(ره) وارد ایران شدند مستقیماً به بهشت زهرا رفتند و در یک سخنرانی سرنوشت‌ساز در جملاتی فرمودند ما مجلس مؤسسات [مؤسسان] تشکیل می‌دهیم و قانون اساسی را آن‌ها تدوین می‌کنند... هر گز مجلس مؤسسان تشکیل نشد به‌جای آن شورایی تشکیل شد که"

امام در اولین سخنرانی خود ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا بیان داشت: "واجب است ... ما به واسطه آرای مردم، مجلس سنا درست بکنیم و دولت اول را -دولت دائمی را- تعیین بکنیم (مقصود من از مجلس سنا مجلس مؤسسان بود، نه مجلس سنا. مجلس سنا اصلش یک حرف مزخرفی است، همیشه بوده)." ^۱ به این صورت امام مجلس مؤسسان را در مقابل مجلس سنا در نظر داشتند و نامی از مجلس خبرگان آورده نشده بود. چرا که اصلاً چنین خبرگانی سابقه نداشت و تا قبل از آن در پیشینه ذهنی مردم یا مجلس مؤسسان وجود داشته است یا مجلس سنا. فرق این دو مجلس در این بود که تمام اعضای مجلس مؤسسان از سوی مردم انتخاب می‌شدند در حالی که مجلس سنا، مجلسی متشکل از ۶۰ نفر بود که ۳۰ نفر از سوی شاه و ۳۰ نفر با آرای مردم (۱۵ نفر از تهران، ۱۵ نفر از شهرستان‌ها) انتخاب می‌شدند. ۳۰ نفر گروه اول به سناتورهای انتصابی و ۳۰ نفر گروه دوم سناتورهای انتخابی نامیده می‌شدند.

اگر این مطلب را با سخن دیگر امام در مورد نپذیرفتن تعداد زیاد مجلس مؤسسان کنار هم بگذاریم، می‌توان نتیجه گرفت امام، مجلسی را که تمام اعضای آن از سوی مردم انتخاب شود بیان کرده بودند، و در صدد بیان تعداد افراد آن نبودند. از آن جا که مجلس جدید از جهت تعداد کمتر از مجلس مؤسسان بود، لذا نام جدیدی بر آن نهادند که همان «مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی» بود. گرچه بعضی از افراد به تعداد آن اشکال وارد می‌کردند، از جمله شخصیت‌های حقوقی اعلام کردند: "قانون اساسی باید با رأی نمایندگان منتخب مردم که تجسم آن در مجلس مؤسسان است تدوین شود" ^۲ و یا "هیچ قانون اساسی که از مجلس مؤسسان نگذرد ارزش و اعتبار قانونی نخواهد داشت" ^۳. به همین جهت برای کم کردن اعتبار انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، انتخابات را تحریم کردند. ^۴ اما به عقیده امام، ایجاد مجلس پر تعداد، به‌آن‌های بود تا آن‌ها بتوانند افراد موردنظر خود را وارد آن نمایند و فرمودند:

نود و نه درصد آن روحانی بودند و قانون اساسی فعلی را نوشتند و بعد چند تبصره هم به آن اضافه کردند تا کمربندها را محکم و صفت [سفت] ببندند که سی سال است این ماجرا ادامه دارد".

۱. صحیفه امام، ج ۶، ۵۸/۱۱/۱۲

۲. نشریه قدس ۳۰ / ۱۰ / ۷۷ به نقل از مجله پیام امروز ۱۴ / ۳ / ۵۸.

۳. همان به نقل از روزنامه آیندگان ۲۸ / ۴ / ۵۸.

۴. از جمله جبهه ملی و حزب خلق مسلمان، کیهان، شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۷۴. پیشین به نقل از روزنامه آیندگان ۴ / ۵ /

۵۸ و ۵۸ / ۳ / ۱۴.

"افتاده‌اند دوره که نه، ما می‌خواهیم مجلس مؤسسان باشد. آن مجلس عریض و طویلی که ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر باید جمع شوند که اگر بخواهند اصلش تحقق پیدا بکند، یک شش ماهی لازم است. بعد هم افراد مختلف، افراد مغرض نمی‌گذارند که این قانون درست تحقق پیدا کند ... نظرشان به این است که طول بکشد ... آن‌ها (بتوانند) توطئه‌ها بکنند."^۱

در واقع با این کار می‌خواستند برای خود زمان بخرند تا در این مدت راه‌حل دیگری پیدا کنند. امام به ایشان تذکر جدی دادند که بهانه‌گیری‌های را تمام کنند:

"مگر مجلس مؤسسان چیست؟ جز این است که اشخاصی که مردم آن‌ها را انتخاب می‌کنند باید بنشینند و قانون را ملاحظه کنند؟ باید حتماً ۶۰۰-۷۰۰ نفر باشند تا نوبت به شما هم برسد؟ اگر تمام ملت ۵۰ نفر را تعیین کنند این‌ها مؤسسان نیست؟ مجلس اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است. میزان رأی ملت است."^۲

با توجه به اشکالات وارد بر پیش‌نویس قانون اساسی و با لحاظ ماهیت اسلامی انقلاب، لازم بود که برای تدوین اصول قانون اساسی از افراد خبره و کارشناس استفاده شود. از این جهت، عنوان «مجلس خبرگان» معروف گردید نه «مجلس مؤسسان». منظور از تشکیل مجلس مؤسسان، تأسیس و پایه‌ریزی قواعد اساسی است. حال آن‌که مجلس خبرگان قصد خلق و انشای قاعده‌ای نداشت بلکه چون ملت، جمهوری اسلامی را در فروردین ۱۳۵۸ پذیرفته بود، مجلس خبرگان باید قواعدی متناسب با این نظام تدوین می‌نمود.^۳

امام خمینی رحمته‌الله حسن حبیبی را مأمور تهیه‌ی پیش‌نویس قانون اساسی کرده بودند. این پیش‌نویس پس از بررسی شورای انقلاب و دولت موقت، توسط روزنامه‌های کثیرالانتشار در اختیار افکار عمومی قرار گرفت. از سوی دیگر، امام رحمته‌الله طی نامه‌ای به مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، دستور تشکیل مجلسی از نمایندگان مردم را جهت بررسی مواد قانون اساسی به صورت نهایی صادر نمود.^۴ لذا شورای انقلاب در ۱۴ تیر همان سال، قانون انتخابات مجلس خبرگان را تصویب نمود و حدود یک ماه بعد، ۱۲ مرداد، انتخابات «مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی» برگزار شد و به‌عنوان نهادی مستقل و با آرای مستقیم مردم و متشکل از ۷۵ نفر حقوقدان و اسلام شناس در ۲۸ مرداد با پیام امام خمینی رحمته‌الله آغاز به کار کرد. طی سه ماه متوالی

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۳۳.

۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۳. فرهنگ نامه نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، ص ۸۷۵، <http://daneshnameh.irdc.ir>

۴. صحیفه امام، ج ۷، عنوان نامه: تدوین و تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس خبرگان. ۵۸/۳/۴.

متن قانون اساسی در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تدوین شد و به تأیید امام رحمته الله علیه رسید و سپس در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و رسمیت یافت.^۱ با تصویب قانون اساسی، نوع حکومت، اهداف و ارکان آن جنبه‌ی قانونی به خود گرفت تا ولایت و زعامت فقیه جامع‌الشرایط رسمیت پیدا کند. اصل ولایت فقیه توسط گروهی از خبرگان با محوریت شهید بهشتی نوشته شد و در جلسات علنی موافق و مخالف به نقد و بررسی طرح پیشنهادی پرداختند. اما گروهی اصل ولایت فقیه را با جمهوری اسلامی ناسازگار دیدند: "طرح و تصویب ولایت فقیه در قالب جمهوری اسلامی به علت تعارضات و تضاد ماهوی و شکلی در بین دو مفهوم موجد اشکالات فراوان در مرحله اجراء خواهد شد."^۲ از سوی دیگر عده‌ای از مخالفین طرح، با ادعای تکمیل بودن اصل پیش‌نویس از آن دفاع کردند چرا که در پیش‌نویس قانون اساسی حرفی از ولایت فقیه و اختیارات وی به میان نیامده بود و رئیس‌جمهور و به تبع آن نخست وزیر اختیارات بیشتری داشتند: "قانون اساسی پیشنهادی توسط عده‌ای از افراد اسلام شناس و مورد اطمینان تهیه شده و تا آن‌جا که بنده اطلاع دارم این قانون به تصویب شورای انقلاب و مراجع تقلید و رهبر انقلاب رسیده است."^۳ درحالی‌که امام پیش‌نویس را کامل نمی‌دانست و بحث تشریفاتی^۴ بودن مجلس خبرگان و شتابزدگی در تصویب پیش‌نویس را رد می‌نمود: "پیش‌نویس هیچ چیزی نیست، باید رأی بدهید باید نظر بدهید."^۵ همچنین تعدادی از خبرگان به کم بودن صبغه اسلامی در پیش‌نویس اعتراض داشتند.^۶ با این وجود، عده‌ای با این که مجلس خبرگان تشکیل شده بود، هنوز خواستار تشکیل مجلس مؤسسان بودند: "اگر ما به‌عنوان نمایندگان مجلس مؤسسان تعیین شده بودیم و وقت و فرصت کافی

۱. برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۲ مرداد ۵۸، پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، <http://www.irdc.ir> و محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، ص ۱۹-۲۰.

۲. روزنامه قدس ۳۰/۱۰/۷۷ به نقل از احمد سمیعی، طلوع و غروب دولت موقت، ص ۱۰۰.

۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، جلسه ۱۵، ص ۳۷۵.

۴. پیش‌نویس توسط دولت موقت انتشار یافت و این‌گونه وانمود می‌شد که مورد تأیید امام است و مراحل بعدی چیزی جز تشریفات و اقدامات صوری نیست، ولی مشکل اصلی آن‌جا بود که پیش‌نویس دولت موقت فاقد محتوای اسلامی بود و نقایص زیادی داشت. فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، ص ۸۷۵، <http://daneshnameh.irdc.ir>.

۵. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۱۳.

۶. منیژه گرجی تنها نماینده زن خبرگان طی مصاحبه‌ای اعلام کرد روح کلی اسلام و قرآن در پیش‌نویس رعایت نشده است. کیهان، یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۸۰. آیت‌الله منتظری نیز عقیده داشت غرب زدگی پیش‌نویس قانون اساسی بیش از شرع زدگی آن است. همان، سه شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۷۶.

داشتیم که مثلاً یک سال بنشینیم و با جمع آوری و کسب نظر عمومی طرح جدیدی تهیه کنیم آن مطلبی دیگر و هنوز هم دیر نشده.^۱

امام اصرار داشت تا روند قانونی کردن نظام اسلامی با تهیه پیش‌نویس، برگزاری انتخابات جهت تشکیل مجلسی که قانون اساسی را تصویب نماید^۲، همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات مجلس شورا و ریاست جمهوری به‌عنوان ارکان نظام به سرعت پیش رود.^۳ انقلاب در دوران حساسی قرار گرفته بود، از این روی باقی ماندن جامعه در جو آشفته و ملتهب انقلابی خطرناک بود و تعبیر امروزی امکان مصادره انقلاب وجود داشت. لذا امام طرح مسائل فرعی - اعم از حق یا باطل - را منحرف کننده ذهن مردم می‌شمرد و دامن زدن به آن‌ها را توطئه و موجب از دست رفتن انقلاب می‌دانست.^۴ به همین جهت می‌فرمود: "در دوره انتقالی نباید این طور نظر کرد که همه کارها در این دوره انتقالی بشود."^۵

در حوزه طرفداران انقلاب، پذیرش اصل ولایت فقیه به‌عنوان مبنای حکومت اسلامی مورد خدشه نبود بلکه بیشتر اختلاف آن‌ها در مورد نگرش و برداشت از اصل و تفسیر آن و نیز دایره اختیارات او در حکومت اسلامی بود که در بخش دیدگاه‌های تفسیری در معنای ولایت فقیه خواهد آمد. در طرف دیگر مخالفین این نظریه - اعم از افراد یا گروه‌های سیاسی داخلی و به تعبیری روشنفکران غرب زده، و نظریه پردازان غربی و شرقی - بودند، که با نفس قائل شدن ولایت برای فقیه مشکل داشتند، و ناسازگاری‌های خود را به گونه‌های مختلف ابراز می‌کردند و امروزه نیز از آن به دیکتاتوری صالح^۶ نیز تعبیر می‌کنند.

بعد از مخالفت‌ها و اشکال تراشی‌های روشنفکر گرایانه، بالاخره مجلس طرح مذکور را به‌عنوان اصل پنجم تصویب کرد و در نتیجه ولایت برای فقیه ثابت دانسته شد. بعد از اضافه شدن این اصل، بحث انحلال مجلس خبرگان از سوی تعدادی از اعضای دولت موقت مطرح شد. ایشان از

۱. رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای نماینده‌ی آذربایجان و کاندیدای حزب جمهوری خلق مسلمان و به‌عنوان مخالف اصل پنجم نیز ثبت نام کرده بود. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، جلسه ۱۵، ص ۳۷۵، ۳۷۴.

۲. امام تعابیر متفاوتی از نام این مجلس دارند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۳. دکتر ایزدی در دهمین جلسه دادگاه عباس امیرانتظام - معاون سیاسی نخست وزیر وقت و سخنگوی دولت موقت - در یکی از اتهامات وی در دست داشتن توطئه انحلال مجلس خبرگان به این موضوع اشاره کرده است. کیهان، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، شماره ۱۱۲۸۱.

۴. صحیفه امام، ج ۹، در جمع انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران، ۵۸/۴/۳۴.

۵. همان، ج ۸، ص ۲۹۵، در جمع دانشجویان اصفهانی ۵۸ / ۲ / ۳۵.

۶. هاشم آقاچری، سمینار «شریعتی، دیروز، امروز، فردا»، کد مطلب: ۲۸، پایگاه اطلاع‌رسانی علی شریعتی <http://drshariati.org>.

چگونگی شکل‌گیری مجلس خبرگان و طرح چندین اصول پیشنهادی به‌ویژه اصل ولایت فقیه ناراضی بودند،^۱ به همین منظور به بهانه اتمام مهلت یک ماهه مجلس، امیرانتظام -سخنگوی دولت موقت- نامه‌ای جهت انحلال مجلس تهیه کرد و قرار شد ۱۷ نفر از وزرای دولت بازرگان آن را امضا و به اطلاع امام برسانند و از ایشان بخواهند یا مجلس خبرگان را منحل سازد، یا همه‌ی آن‌ها استعفا می‌دهند.^۲ موضوع انحلال در جلسه‌ای متشکل از اعضای دولت و شورای انقلاب مطرح شد. آیت‌الله خامنه‌ای از اعضای حاضر در جلسه و عضو شورای انقلاب می‌گوید:

"بنده آن شب حضور داشتم و گفتم مجلس نماینده مردم است و باید بماند و قانون اساسی را تمام کند. البته آقایان تندی کردند حتی به ما اهانت کردند، اما بالاخره اظهارات ما، مانع کارشان را روشن کرد."^۳ علیرغم مخالفت شورای انقلاب با طرح انحلال مجلس خبرگان، بازرگان با امام ملاقات و درخواست انحلال را مطرح کرده بود که امام در مورد این ملاقات صحبت و ریشه اختلافات را بیان نمود:

"آقای بازرگان و رفقای شما آمده بودند پیش ما و گفتند: ما خیال داریم که این مجلس خبرگان را منحلش کنیم، من گفتم: شما چه کاره هستید، اصلش که می‌خواهید این کار را بکنید. شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس منحل کنید؟ ... در مجلس خبرگان به مجرد این که صحبت از ولایت فقیه شد شروع کردند به مخالفت حتی اخیراً در همین دو سه روز پیش در یکی از مجالسشان این منحرفین گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل شود."^۴

حتی دکتر نورالدین کیانوری -دبیر کل حزب توده- با نظر امام موافق بود و اعلام کرده بود آن چه مهم است تسریع در تصویب قانون اساسی است، از همین جهت معتقد به انحلال مجلس یا تجدید انتخابات نبودند.^۵

۱. واقعیت این است که بین بازرگان و مجموعه دولت موقت و همفکران او با رهبری انقلاب، اختلاف در مسائل وجود داشت و این اختلاف‌ها بعدها بیشتر و عمیق‌تر نیز شد. مهندس محمد توسلی از نزدیکان بازرگان -شهردار تهران در دو سال اول انقلاب- نیز به آن اشاره می‌کند: «مشکل دیگر، دیدگاه مهندس بازرگان بود که با دیدگاهی که بعداً به‌صورت ولایت فقیه مطرح شد، همگام نبود.» حسن یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی: سیری در زندگی و افکار و آثار مهندس بازرگان، ج ۲، ص ۲۹۳. به نقل از مجله ایران فردا، شماره ۲۳، ص ۲۶.

۲. کیهان، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، شماره ۱۱۲۸۱. بازرگان بعدها نیز درخواست انحلال کمیته را کرد. انتظار می‌رفت مؤلف کتاب زندگی‌نامه بازرگان علت درخواست انحلال مجلس خبرگان را، توضیح می‌داد، اما وی صرفاً بازرگان را به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب امام و شورای انقلاب از ایجاد توطئه علیه مرجعی قانونی مبری دانسته است. حسن یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی: سیری در زندگی و افکار و آثار مهندس بازرگان، ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۵.

۳. روزنامه قدس ۷۷/۱۰/۳۰ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۱۱/۲۵.

۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳، ۵۸/۶/۲۸.

۵. کیهان، دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۸۱.

با موضع‌گیری حساب‌شده‌ی امام، مجلس خبرگان اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ قانون اساسی را در راستای حاکمیت دین و اختیار رهبری تصویب نمود. قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شد و به‌طور کلی در فضایی آرام برگزار شد، اما در برخی مناطق ناآرامی‌هایی به‌وجود آمد.^۱ به عقیده امام هر قدر از مردم رأی‌گیری می‌شد، هیچ‌کدام از اشخاص مطلوب مخالفان وارد کار نمی‌شد: "اگر ۵۰ دفعه هم بخورد، این مردم همان مردم‌اند. این دفعه مردم فهمیدند که چه اشخاصی به اسلام اعتقاد دارند و چه اشخاصی به اسلام اعتقاد ندارند یا خیلی پاییند نیستند."^۲ به این ترتیب بعد از ۵۰ سال خفقان اولین آزمایش آزادی مردم ایران در انتخابات مجلس، با موفقیت انجام شد.^۳

دیدگاه‌های تفسیری در معنای ولایت فقیه

بعد از رسمی‌شدن قانون اساسی، در جریان تدوین مصوبات اجرایی توسط مجلس شورای اسلامی ابهاماتی در رابطه با حیطه اختیارات ولی فقیه و دولت به‌وجود آمد و این باعث شد تا دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تفسیر ولایت فقیه مطرح شود. اولین بحث‌ها هنگام تدوین قانون مالکیت اراضی کشاورزان و نحوه‌ی واگذاری زمین به کشاورزان نیازمند جهت محرومیت‌زدایی مطرح شد.^۴ در بند «د» این قانون، حاکم به اقتضای ولایتی که داشت می‌توانست حتی در صورت عدم رضایت مالکانی با شرایط خاص زمین را از آن‌ها خریده و در اختیار کشاورزان نیازمند بگذارد.^۵ این قانون با

۱. به‌عنوان نمونه ستاد انتخابات ایلام توسط مهاجمین محاصره شد، در نتیجه رأی‌گیری تا پایان شمارش آراء در تدابیر امنیتی انجام شد. در تهران نیز گروهی به قصد برهم زدن نظم حوزه‌های رأی‌گیری در میدان آزادی دست به تظاهرات و داد شعار کردند. کیهان، شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۷۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴.

۳. کیهان، یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۸۰.

۴. در سال اول انقلاب آمار نشان می‌داد که ۱۶۰۱،۰۰۰ خانوار زمینی برابر ۲،۴۳ میلیون هکتار در اختیار داشتند و در مقابل، تنها ۹۵۰۰ خانواده بزرگ مالک قرار داشتند که ۲،۴۵ میلیون هکتار زمین را در تصرف خود داشتند، و این یعنی هر خانواده مالک بزرگ به اندازه ۱۷ برابر خانواده‌های خرده مالک، دارای زمین بودند. ضمن این که مقایسه‌ی مزبور بدون در نظر گرفتن خانواده‌های فراوانی بود که اساساً فاقد زمین بودند. محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، ص ۱۵۰ به نقل از مجله زیتون، شماره ۱۱، اسفند ۶۱.

۵. «در مورد بقیه، در جاهایی که کشاورزانی وجود دارند که فاقد زمین زراعی هستند و جز از راه گرفتن مازاد زمین اینگونه مالکان، نمی‌توان آن‌ها را صاحب زمین زراعی کرد، وظیفه این است که مازاد بر حد مذکور را به این گونه زارعین واگذار کنند، و اگر به میل خود به این وظیفه عمل نمایند به مقتضای ولایت به حکم حاکم از آن‌ها گرفته و در اختیار کشاورزان نیازمند واگذار شود و دولت

مخالفت شورای نگهبان^۱ مواجه گردید زیرا بدون رضایت مالکان بزرگ زمین‌های آنان خریداری می‌شد، و از نظر ایشان خلاف شرع تلقی شد و گرچه بعداً به واسطه مشکلات اجرایی پیش آمده طرح اصلاحی آن مطرح شد.^۲ از نظر ایشان مردم باید آزاد باشند تا نسبت به مسکن، توزیع کالا، قیمت‌گذاری ابنیه تاریخی، اشغال منابع طبیعی و غیره هر گونه که می‌خواهند تصمیم‌گیری کنند. این افراد احکام حکومتی را در ردیف احکام ثانویه قرار داده، لذا اعمال سیاست‌های منجر به تحدید مردم را خلاف شرع می‌دانستند. آن‌ها هیچ‌گونه اختیاری برای حکومت اسلامی قائل نبودند و تنها عاملی که دست دولت را برای اعمال سیاست‌های خود باز می‌گذاشت شرایط اضطراری بود. ولایت فقیه به مثابه اکل میته تلقی می‌شد و در حال احتضار حکومت و جامعه قابل استفاده بود. دیدگاه محدودیتی ولایت فقیه برای حفظ مصلحت جامعه در بخش‌هایی از نظام قانون‌گذاری مثل بعضی از اعضای شورای نگهبان، و با تأیید گروهی از علماء همراه بود. مثلاً فقهای شورای نگهبان نظر داده بودند که «دولت مجاز به تعیین نظام توزیع کالا نیست، ولی در مواقع بحران و ضرورت اجازه مداخله دارد.»^۳ ایشان قائل بودند: "لزوم اخذ مجوز برای احياء و تملك اراضی موات خلاف شرع است چرا که هر کسی مجاز است به هر مقدار که خواهد این اراضی را تصاحب نماید، و در این صورت مالک شرعی و قانونی شناخته شده و دولت هم اجازه خلع ید از او را ندارد."^۴

در همین راستا یکی از اعضای برجسته جامعه مدرسین نوشته بود: "اگر دولت هزینه‌های خود را از راه مالیات آن هم بدون رضایت مالیات دهندگان تأمین کند، برخلاف تعهدی است که پیامبر ﷺ به مردم جهان داده است که اسلام بیاورید، نماز بخوانید و او هم غیر از زکات و خمس از آن‌ها چیز دیگری نگیرد"^۵ ایشان در جای دیگر تصریح کردند که محتوای حکم ولی فقیه، حکم ثانوی است و جعل از سوی ولی فقیه، اول منوط به ضرورتی است که حرج و گرفتاری برای مسلمین پیش آورد و یا دوم ضرر هنگفتی متوجه اسلام و مسلمین شود. در غیر این صورت

بهای نسق این زمین‌ها را پس از کسر بدهی‌ها مالک به بیت‌المال به او بپردازد». فرج‌الله قربانی، مجموعه کامل قوانین و مقررات اراضی، ص ۴۱۵.

۱. فائزه حسینی، مجلس اول و قانون اراضی شهری، دوماهنامه چشم‌انداز ایران، اسفند ۸۶ و فرودین ۱۳۸۷، ص ۵۳.
۲. به این صورت که ابتدا اراضی موات، سپس اراضی ای که به وسیله دادگاه‌های صالح خلع ید شده‌اند، و بعد از آن زمین‌های بایر و دایر به ترتیب و در صورت نیاز بین کشاورزان و متقاضیان تقسیم خواهد شد. فاضل هرندی (مصاحبه شونده)، طرح جدید اصلاحات اراضی به مجلس پیشنهاد شد، مجله جهاد، ۲ دی ۱۳۶۰، شماره ۲۴، ص ۶۰-۶۱.

۳. حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۲، ص ۲۶۳.

۴. همان، ص ۶۱۹.

۵. احمد آذری، مقاله «بختی پیرامون مالیات»، مجله نورعلم، شماره ۱۱، مرداد ۱۳۶۴، ص ۵۳.

فقیه حق ندارد به صرف مصلحت اندیشی حکمی صادر نماید و اگر کسی این کار را کند و در واقع قیاس و استحسانی را انجام داده که ائمه اطهار علیهم‌السلام از آن نهی فرموده‌اند.

بر مبنای همین طرز فکر بود که موارد فراوانی از مصوبات مجلس شورای اسلامی به لحاظ آن که دولت اسلامی را برای دخالت در مصالح جامعه، مجاز می‌شمرد از سوی شورای نگهبان خلاف شرع شمرده می‌شد، مانند: کنترل قیمت واحدهای مسکونی توسط دولت، نظارت دولت بر توزیع کالا، نظارت سازمان اوقاف بر موقوفات معلوم التولیت، الزام صاحبان مشاغل به دریافت کارت شناسایی مالیاتی و اقدام نسبت به شهرک‌ها و ساختمانی که در کشور نیمه‌کاره رها شده‌اند و الزام مالکین آن‌ها به اتمام کار یا انتقال خلاف شرع است.^۱ آیت‌الله مشکینی در همان ابتدای امر به‌عنوان یکی از تدوین‌کنندگان قانون طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ ریشه تفاوت آراء تفسیری را چنین بیان نمود: "عمده‌ی اختلاف بر سر [محدوده] ولایت فقیه است که آیا حاکم شرع، این سلطه را برای محدود کردن مالکیت در صورتی که به صلاح جامعه باشد - چون صلاح جامعه بر مصالح فرد مقدم است - دارد؟"^۲

شهید بهشتی در جمع افراد جهاد سازندگی سخنرانی کرد و گفت: "صاحب زمین شدن کشاورزان رأی من بود. ما خیلی جاها پایش ایستادیم."^۳ این‌گونه به نظر می‌رسد این لایحه نشان از دیدگاه مغایر دیگری بود که برای بسیاری گران آمده و نمی‌توانستند آن را قبول کنند. شهید در جای دیگری در توجیه مبانی این بند می‌گوید:

"مالکیت شخصی^۴ هر مالک و مالکیت خصوص هر مالک، معنایش این است که دیگران نمی‌توانند بر خلاف حقوق مالکیت مالک در مال او تصرف کنند، ولی مقضای این مالکیت (های شخصی) این نیست که ولی امر هم نمی‌تواند در آن تصرف کند. به تعبیر دیگر مالکیت شخصی و خصوصی در طول حق اولویت و ولایت ولی امر در تصرفات در اموال است نه در عرض آن. فکر می‌کنم عده‌ای از آقایانی که در این لایحه اشکال می‌کنند که آیا منطبق با موازین اسلام است یا نه، در این اصل با تهیه‌کنندگان هم نظر نباشند، یا به‌طور کلی یا از نظر میدان و دایره وسعت آن."^۵

۱. حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۱، ص ۱۹، ۴۴، ۸۶، ۱۶۱.

۲. کیهان، ۱۴ بهمن ۱۳۵۹.

۳. بنیاد شهید، او به تنهایی یک امت بود، ص ۴۵۵.

۴. طبق تعریف شهید بهشتی، مالکیت شخصی یعنی این که فرد مالک چیزی شود و این یک اصل مسلم است. مالکیت خصوصی یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی بتوانند عوامل تولید باشند. همان.

۵. همان، ص ۳۸۱.

در مقابل تفکر این عده، امام حکومت را از احکام اولیه می‌شمرد و نه تنها آن را به عناوین ثانویه محدود نمی‌کرد، بلکه حکومت را بر جمیع احکام فرعی الهی مقدم می‌دانست.^۱ بر همین اساس در پاسخ به اسفسار دبیر وقت شورای نگهبان -آیت‌الله لطف‌الله صافی- از حدود اختیارات دولت، دولت را در اخذ قیمت خدمات دولتی آزاد گذاشت.^۲ حتی امام در آخرین پیام خود به این شورا، حکم ثانوی و حکم ولایت فقیه را در برابر هم به کار برد.^۳ از سوی دیگر به شورای نگهبان نیز توصیه می‌نمود به نحوی عمل نمایند که اسلام متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.^۴

سیر طرح ولایت «مطلقه» فقیه در قانون اساسی

در روند تصویب قانون، ولایت فقیه مفهوم جدیدی نبود زیرا هنگام طرح انحلال مجلس خبرگان به علت اتمام مهلت قانونی اش، امام فرمود این مشکلی نیست من از ولایت خودم استفاده می‌کنم و همان طور که به این دولت و جریان مشروعیت دادم، خودم هم به‌عنوان ولی امر این تاریخ را تمدید می‌کنم.^۵ به هر حال جو حاکم بر مجلس خبرگان در آن برهه‌ی زمانی مجالی به خبرگان نداد تا نظر امام خمینی(ره) را در باب قلمرو ولایت فقیه به‌طور کامل در قانون اساسی اعمال کنند. ضمن این که نظر امام در این مورد کاملاً روشن بود. بسیاری از افراد برجسته خبرگان نظیر شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای از شاگردان امام بودند و اشخاص دیگر همچون آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله صافی در بسیاری از موارد با امام هم نظر بودند، لذا عدم ذکر لفظ مطلقه به علت عدم اطلاع ایشان از نظر امام نبود. علاوه بر عدم همکاری و ایجاد جو نامناسب هنگام تصویب اصول قانون اساسی، در عمل نیز کارایی نظریه‌ی موجود آزموده نشده بود و معلوم

۱. «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (صلی الله علیه و آله) است یکی از احکام اولیه اسلام است» و «حکومت اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدم دارد.» صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۲. «دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی، و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد. و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است، و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد.» صحیفه امام، ج ۲۰، ۱۳۶۶/۹/۲۶، موضوع: حدود اختیارات دولت در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی، تهران-جماران.

۳. و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، ... از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ی جلوگیری نمایند و با ملاحظه‌ی ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند. صحیفه امام، ج ۲۱، وصیت نامه سیاسی- الهی، تاریخ قرائت: ۱۳۶۸/۳/۱۵، ص ۴۲۱.

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ۶۷/۱۰/۸، موضوع: اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تذکر به شورای نگهبان، تهران-جماران.

۵. کیهان، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، شماره ۱۱۲۸۱.

نبود تعیین این محدوده تا درج لفظ مطلقه و اعلام آشکار آن به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در عمل چه تبعاتی خواهد داشت. گرچه به نظر می‌رسد در عدم ذکر این مطلب، نوعی اقدام محافظه‌کارانه رخ داده است. به همین علت بود که امام با این که قبلاً فرموده بود: "بهترین اصل در قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است و غفلت دارند بعضی از آن و بعضی هم غرض دارند"^۱ اما بر این باور بود که آن چه در قانون اساسی درباره اختیارات رهبری آمده است، اندکی از شئون ولی فقیه است:

"این که در قانون اساسی یک مطلبی بود، ولی به نظر من یک قدری ناقص است. روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه -خوب دیگر- خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند، این که در قانون اساسی هست، این بعضی شئون ولایت فقیه هست، نه همه‌ی شئون ولایت فقیه"^۲.

امام نظر خود را زمانی فرمود که حدود دو ماه از تصویب و همه‌پرسی قانون اساسی گذشته بود، و از آن‌جا که در اداره‌ی امور کشور هیچ‌گاه بر آن نبود که اراده و نظر خود را بر روال قانون‌گذاری کشور تحمیل کند، به «ولایت مطلقه فقیه» که به آن باور عمیق داشت، پافشاری نورزید. این مطلب برخلاف نظر مستشکلین، جزء امتیازات قانون اساسی قبل از بازنگری محسوب می‌شود. چرا که سیر منطقی روند نوشتن پیش‌نویس و تصویب آن توسط خبرگان ملت به‌طور کامل و قانونی طی شد و هیچ انحرافی در این زمینه رخ نداد. اگر امام بر نظر خود اصرار می‌کرد و قبل از همه‌پرسی به هر طریقی - با پیشنهاد به خبرگان یا الزامی کردن اصل - آن را وارد متن قانون اساسی می‌کرد، از طرف همین افراد اشکال‌کننده، به دیکتاتوری متهم می‌شد. ضمن این که اگر این کار را هم می‌کرد و خود شخصاً وارد کار می‌شد، به دلیل برخورداری از حمایت همه‌جانبه‌ی مردم به‌عنوان خبره‌ترین خبرگان، مسلماً این اصل به صورت مطلقه هم رأی می‌آورد. اما امام با بینش سیاسی خود این کار را نکرد و اجازه داد اهل فن خودشان به این نتیجه برسند. سیره امام در جریان متمم قانون اساسی به همین نحو بود و در این مورد فرموده بودند: "هرگونه آقایان صلاح دانستند عمل کنند، من دخالتی نمی‌کنم"^۳. با این وجود بعد از تصویب قانون، در مقابل کاستی‌های موجود - محدود بودن اختیارات رهبری - سکوت نکردند و مقتضای شرایط از قبیل

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۶۵، ۵۸/۱۰/۷ - قم.

۲. همان، ص ۴۶۴.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱.

پرسش نمایندگان مجلس شورای اسلامی^۱، نامه رئیس جمهور^۲، نامه قوه قضائیه^۳ به بیان دیدگاه خود در حوزه ولایت فقیه و اختیارات رهبر می‌پرداختند.

بعد از گذشت ده سال از اجرای قانون اساسی، امام افرادی را از بین مجلس خبرگان رهبری، قوای مقننه، مجریه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۶۸/۲/۴ برگزید و طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) دستور بازنگری و ترمیم قانون اساسی را داد.^۴

در بررسی اصل ۱۱۰ همه اعضای شورای بازنگری بر این امر متفق بودند که ولایت فقیه در ادامه اقامت پیامبر ﷺ و امام معصوم علیه السلام و دارای همان اختیارات در اداره کشور است. لذا برای رسمیت بخشیدن به این حکم شرعی در قانون اساسی، طی دو شور، بندهایی جهت گسترده نمودن حوزه اختیارات ولی فقیه به اصل مزبور اضافه شد.^۵ اقلیت شورا معتقد بودند معنی ولایت مطلقه فقیه از اصل ۱۰۷ قابل فهم است: «این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را به عهده دارد»^۶ در واقع تصریح به ولایت مطلقه را به علت احتمال سوء برداشت یا ناسازگاری با اصول دیگر به مصلحت نمی‌دیدند. با این وجود، اکثریت شورا به استناد این که «مطلقه» بودن ولایت فقیه از اصول دیگر قابل استفاده نیست، نیز برای اتمام اعتراضات مبنی بر فراتر رفتن ولی فقیه از حدود قانونی خود در موارد مصلحت، اصرار داشتند که به لفظ «ولایت مطلقه فقیه» تصریح شود. در نتیجه دیدگاه اکثریت پذیرفته شد و لذا عبارت «ولایت امر» در اصل ۵۸، به «ولایت مطلقه امر» اصلاح شد.^۷

نتیجه گیری

امام خمینی(ره) با مبنای مشروعیت حکومت ولایت فقیه در مقابل رژیم غیرمشروع پهلوی قیام کرد و حکومت جمهوری اسلامی را معماری نمود. بعد از همه پرس‌و‌پرسی نوع حکومت و آرای مردم به جمهوری اسلامی، و نیز اشکالات فراوان پیش‌نویس قانون اساسی از جمله عدم توجه به ولایت

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۳۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳. نشریه قدس ۷۷/۱۰/۳۰ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۸/۲/۷.

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۶۳.

۵. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۲، ص ۶۴۹.

۶. متن کامل اصل ۱۰۷ قانون اساسی در پیوست آمده است.

۷. همان.

فقیه، ضرورت تشکیل خبرگان قانون اساسی روشن شد. بر همین اساس مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل شد. این روند چون مورد قبول اعضای دولت موقت و برخی گروه‌ها نبود، طرح انحلال مجلس مطرح شد. با توجه به فضای انقلابی موجود، تطویل در روند تصویب قانون به صلاح انقلاب نبود، از همین رو امام از اعمال غیرقانونی افراد جلوگیری نمود و با تدابیر خود در مقابل جریان‌های منحرف ایستاد. پس از این که در روندی قانونی، نمایندگان منتخب مردم، ولایت فقیه را به‌عنوان رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی آوردند و نیز بعد از همه‌پرسی قانون اساسی، امام نظر خود را در باب اضافه شدن اصل ولایت فقیه ابراز نموده و از آن به بهترین اصل یاد کردند. بعد از گذشت ده سال، امام دستور بازبینی قانون اساسی را صادر و افرادی را جهت این امر برگزید. از آن جا که در این مدت امام، طی نامه‌ها و صحبت‌هایی که به مناسب با گروه‌های مختلف انجام داده نظر صریح خود را در باب ولایت مطلقه فقیه بارها تبیین نموده بودند، از همین رو اعضای گروه بازبینی اختلافی در مورد محدوده ولایت فقیه نداشتند. تنها مسئله تفاوت در دیدگاه‌های ایشان در درج لفظ مطلقه بود که اکثریت به آن رأی دادند.

منابع

۱. انصاری مرتضی ابن محمد امین، ۱۴۱۵ق، کتاب القضاء و الشهادات، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
۲. انصاری مرتضی ابن محمد امین، ۱۴۱۵ق، کتاب المکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
۳. او به تنهایی یک امت بود، ۱۳۶۱، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ماز گرافیک، دوم، بی‌جا.
۴. آذری احمد، مقاله «بحثی پیرامون مالیات»، مجله نورعلم، شماره ۱۱، مرداد ۶۴.
۵. آقاجری هاشم، سمینار «شریعتی، دیروز، امروز، فردا»، کد مطلب ۲۸، پایگاه اطلاع رسانی علی شریعتی.
۶. حسینی فائزه، مجلس اول و قانون اراضی شهری، دوماهنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۴۸، اسفند ۸۶ و فرودین ۱۳۸۷.
۷. روزنامه کیهان شماره‌های ۱۰۷۷۴ و ۱۰۷۷۶ و ۱۰۷۸۰ و ۱۰۷۸۱ و ۱۱۲۸۱.

بررسی روند طرح ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران □ ۴۹

۸. سروش محمد، ۱۳۷۸، دین و دولت در اندیشه اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چهارم.
۹. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، اول، بی تا.
۱۰. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، اول، بی تا.
۱۱. علیخانی علی اکبر و همکاران، ۱۳۸۶، روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، جمالی، اول.
۱۲. قربانی فرج الله، ۱۳۸۱، مجموعه کامل قوانین و مقررات اراضی، نشر دانشور.
۱۳. کدیور محسن، ۱۳۸۵، حکومت ولایی، نشر نی، تهران.
۱۴. کرکی عاملی علی بن حسین، بی تا، رسائل المحقق الکرکی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۱۵. مامقانی عبدالله، هدایه الأنام فی حکم أموال الإمام، نرم افزار جامع فقه اهل البیت (علیهم السلام)
۱۶. مصطفی جعفر پیشه فرد، پیشینه نظریه ولایت فقیه، دبیر خانه مجلس خبرگان، نگارش، اول، ۱۳۸۰.
۱۷. موسوی خمینی (ره) روح الله، ۱۳۸۵ق، الرسائل، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی جا.
۱۸. موسوی خمینی (ره) روح الله، ۱۳۷۷، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، شرکت سهامی چاپ قدس، اول.
۱۹. موسوی خمینی (ره) روح الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، عروج، چهارم.
۲۰. موسوی خمینی (ره) روح الله، صحیفه نور مجموعه آثار امام خمینی (ره)، نرم افزار صحیفه نور.
۲۱. موسوی خمینی (ره) روح الله، ۱۳۸۶، کتاب البیع، محقق حسن طاهری خرم آبادی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، بی جا.

۵۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۳، زمستان ۹۳، ش ۱۱

۲۲. موسوی خمینی (ره) روح الله، ۱۳۷۳، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، بی‌جا.
۲۳. مهرپور حسین، ۱۳۸۸، مجموعه نظریات شورای نگهبان، دادگستر.
۲۴. میری عباس، گزارشی از تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، نشریه قدس، ۷۷/۱۰/۳۰.
۲۵. ناصری مجتبی، سیر تحول آرای سیاسی امام خمینی (ره)، روزنامه مردم‌سالاری، شماره ۳۴۸۹، ۹۳/۳/۱۳.
۲۶. نجفی محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، نرم‌افزار جامع فقه اهل البیت (علیهم السلام).
۲۷. نراقی احمدبن محمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، نرم‌افزار جامع فقه اهل البیت (علیهم السلام).
۲۸. هرندی فاضل (مصاحبه شونده)، ۱۳۶۰، طرح جدید اصلاحات اراضی به مجلس پیشنهاد شد، مجله جهاد، شماره ۲۴.
۲۹. یوسفی اشکوری حسن، ۱۳۷۶، در تکاپوی آزادی: سیری در زندگی و افکار و آثار مهندس بازرگان، قلم، تهران.

<http://www.irdc.ir>

<http://daneshnameh.irdc.ir>

<http://mardomsalari.com>

<http://fa.wikipedia.org>

<http://drshariati.org>

<http://kadivar.com>

<http://talelesiyasat.parsiblog.com>

http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution